

عطایای روح و عطای زبانها

۱- عطایا

- (الف) برای نجات شما، ثمرات روح القدس مهم تر از عطایا است
(ب) عطایا با لیاقتان خودتان داده نمی شود، پس برای آن پاداشی نیست
(ج) آیا عطایا داده می شود یا باید طلبید؟
- ۲- نهضت پنطیکاستی و عطای سخن گفتن به زبانها
۳- سخن گفتن به زبانها
- (الف) سخن گفتن به زبانها، آخرین در میان سایر عطایاست
(ب) سخن گفتن به زبانها برای همه نیست
(ج) سخن گفتن به زبانها باید برای بنای کلیسا بکار رود
(د) زبانها باید ترجمه شود
(ه) معنای «خود را بنا می کند» چیست؟
(و) سخن گفتن به زبانها نشانی برای بی ایمانان است
(ز) مجادله رسول در برابر تعالیم اشتباه در مورد سخن گفتن به زبانها

عطایا

بسیاری از برادران پروتستان ما تلاش می کنند تا عطایای روحانی را به دست آورند تا فرزندان و وارثین خدا شوند. آنها از این آیه استفاده می کنند: «کن نعمتهای بهتر را به غیرت بطلبید» بدون آنکه به ادامه آن یعنی «و طریق افضل را نیز به شما نشان می دهم» توجه کنند. (اول قرنتیان ۱۲:۳۱)

ایشان آنقدر بر عطای سخن گفتن به زبانها تأکید می ورزند که از یاد می برند پولس رسول بلافاصله پس از این آیه می گوید:

«گر به زبانهای آدمیان و حتی فرشتگان سخن بگویم، اما اگر محبت ندارم، چون مفرغی شده ام که صدا کند یا سنجی که بانگ برآورد». (اول قرنتیان ۱۳:۱).

پولس رسول شرح می دهد که چگونه محبت از همه عطایا والاتر است.

برای نجات شما، ثمرات روح القدس مهم تر از عطایا است

پولس رسول در مورد ثمرات روح چنین می گوید: «ولی ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، شکیبایی، مهربانی، نیکویی، ایمان، فروتنی و خویشنداری است» (غلاطیان ۵:۲۲، ۲۳).

پولس رسول اظهار داشت که محبت، که نخستین ثمره روح است، برتر از ایمانی است که می تواند کوهها را جابه جا کند (اول قرنتیان ۱۳:۲ و ۱۳).

و خداوند در مورد محبت گفت: «بدین دو حکم، تمام تورات و صحف انبیا متعلق است». (متی ۲۲:۴۰)

هنگامیکه شاگردان، شادمان از عطایا، نزد مسیح خداوند بازگشتند، او گفت:

«با این همه شادی نکنید که ارواح به اطاعت شما در آمده‌اند بلکه شادی کنید که نامهای شما در آسمانها نوشته شده است.»
(لوقا ۲۰:۱۰)

بسیاری از مردم با وجود داشتن عطایای روحانی نجات را از دست داده هلاک می‌شوند.

عطایا آنها را یاری نمی‌رساند و نجات نمی‌دهد. به همین خاطر خداوند فرمود:

«بسا در آن روز مرا خواهند گفت: "خداوند، خداوند، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر ساختیم؟" آنگاه به ایشان صریحاً خواهیم گفت که "هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید!"»
(متی ۲۳:۲۲، ۲۳)

عطایا با لیاقتان خودتان داده نمی‌شود، پس برای آن پاداشی نیست

عطایای روحانی شما را نجات نمی‌دهند. چرا برای به دست آوردن آنها تقلا می‌کنید؟ آنها کسانی را که دنبال خودستایی و غرور خود هستند فریفته می‌سازد، اما قدیسین بزرگ، که تواضع را دوست می‌داشتند، همیشه از عطایا گریزان بودند.

یکی از پدران می‌فرماید: «اگر خدا عطایی داد، از او درخواست کن که همراه با آن، تواضع نیز به تو دهد، و در غیر اینصورت آن عطا را از تو بگیرد.»

پولس رسول که از خداوند عطایای بسیاری دریافت کرد، گفت: «ما برای اینکه عظمت بی‌اندازه این مکاشفات مغرورم نسازد، خاری در جسمم به من داده شد، یعنی عامل شیطان، تا آزارم دهد و مرا از غرور باز دارد» (دوم قرنتیان ۱۲:۷). این رسول بزرگ و پر فیض که به آسمان سوم رفته شد (دوم قرنتیان ۱۲:۲)، به خاطر عطایا در خطر بود! اگر پولس رسول از عطایای روحانی می‌ترسید، چقدر بیشتر باید جوانان ضعیف امروز احتیاط کنند آنگاه که برای دریافت عطایا دعا کرده تصور می‌کنند عطایا حقشان است و سپس مشاوران روحانی‌شان، دست بر ایشان گذاشته دعا می‌کنند تا عطایا را دریافت کنند!

یعقوب پاتریارک عطایای روحانی دریافت کرد. او برکت نخست‌زادگی را گرفت، نردبانی را دید که بر زمین برپا شده و تا به آسمان می‌رسید و فرشتگان خداوند بر آن صعود و نزول می‌کردند (پیدایش ۱۲:۲۸)، و خود خدا را دید و با او صحبت کرد. او با خدا و آن مردان مجاهده کرد و غالب شد (پیدایش ۳۲:۲۸). خدا کف ران او را لمس کرد و کف ران‌اش فشرده شد تا یعقوب را از عطایا محفوظ بدارد. خدا بدن یعقوب را سست کرد تا او را از غرور ناشی از عطایا حفظ کند.

اما این فراز که «عمتهای بهتر را به غیرت بطلبید» به این معنا نیست که برای بدست آوردن آنها تقلا کنیم، بلکه باید دلمان را با تقدس و تواضع آماده سازیم، تا بتواند چنین عطایایی را دریافت کند. اما همه عطایا، معجزات و شفاها نیستند، بلکه حکمت، علم و ایمان نیز جز عطایایند. (اول قرنتیان ۱۲:۸، ۹)

اگر می‌خواهی دعا کنی تا از خدا عطای افضل دریافت کنی، بنگر که خداوند بر بالای کوه چگونه دعا می‌کند:

«لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد.» (متی ۶:۳۳)

همچنین در دعای ربانی، که خداوند به عنوان نمونه به ما آموخت، مشاهده می‌کنیم که برای دریافت هیچ عطایی دعا نشده

است.

آنچه که در این روزها خطرناک‌تر از عطایاست، این است که یکی به دیگری می‌گوید: «بیا، من به تو عطایا خواهم داد» یا «به تو تجربه روحانی می‌دهم»، و دست‌ها بر او می‌گذارد و دعا می‌کند تا روح‌القدس به او عطا شود یا از روح پر شود. حتی زنان نیز دست‌ها بر مردم می‌گذارند تا به آنها روح‌القدس عطا کنند، چراکه خدا گاهی به زنان عطای شفا را می‌بخشد.

اما بخشیدن روح‌القدس برعهده کشیش است، که ابتدا توسط رسولان با قرار دادن دست‌ها انجام شد و سپس روحانیون طی راز تثبیت آن را ادامه دادند.

ما روح‌القدس را در راز تثبیت، پس از راز تعمید دریافت می‌کنیم. کتاب مقدس در اول یوحنا ۲۷، ۲۰:۲ به این مسیح اشاره دارد، و در مورد دستگذاری توسط رسولان در اعمال رسولان ۱۴:۸-۱۷ اشاره می‌کند. امروزه جوانان مدعی هستند که اختیار بخشیدن روح‌القدس و عطای زبان‌ها را، که تنها خاص رسولان و جانشینان ایشان بود، دارند.

در الهیات ارتدکسی ما، هر کس عطایی را دریافت می‌کند، سعی می‌کند آن را پنهان دارد، همانند اسقف قدیس صرابامون (St. Sarabamon) که عطای شفا داشت، و سایر قدیسین.

آیا عطایا داده می‌شود یا باید طلبید؟

خدا به هر کس و هر عطایی که بخواهد مطابق حکمت الهی خویش عطا می‌کند، چراکه: «ملکوت خدا با مراقبت نمی‌آید». (لوقا ۱۷:۲۰) عطایا همچون بادی هستند که هر کجا بخواهد می‌وزد، «به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر کس قسمت فرموده است (رومیان ۳:۱۲). پس چرا برای عطایا دعا می‌شود؟ و چرا عطایا اختصاصاً سخن گفتن به زبان‌هاست؟

عطایا از طریق یک شخص به دیگری سپرده نمی‌شود بلکه توسط اراده خدا داده می‌شود. بخشیدن عطایا، عمل روح‌القدس است.

وقتی برای عطای زبانها دعا می‌شود، ممکن است باعث غرور مغروران شود. اینگونه عطایا برای انسان که پنهان جذاب است نه برای انسان روحانی. بدتر از این زمانی است که چنین کسانی به آنانکه این عطا را ندارند با تحقیر نگاه می‌کنند، گویی خود در مرتبه‌ای بالاتر هستند، اگرچه کتاب مقدس می‌گوید که عطای زبانها برای همگان نیست. (اول قرن‌تین ۱۴)

آیا با وجود این غرور، ما نباید به کسانی که مدعی داشتن این عطیه هستند شک کنیم؟

اگر شخصی نزد شما آمده بگوید: «بیا من به تو این تجربه را خواهد داد» به او بگویید: «من شایسته این عطایا نیستم. دل من به اندازه کافی فروتن نیست که بتواند این عطایا را تحمل کند. اگر خدا بخواهد به من عطایی ببخشد، خودش آن را عطا خواهد کرد، بدون اینکه من درخواست کنم. آنگاه من از او خواهم خواست به من تواضع بخشد و از غرور محفوظم نماید. اگر خدا به من عطایی دهد، درباره آن صحبت نمی‌کنم و آن را به مردم اظهار نمی‌کنم، مبادا فراتر از توانم وارد نبرد روحانی شوم».

فراز «عمتهای بهتر را به غیرت بطلبید» به این معنا نیست که عطایا را بطلبیم، بلکه دل خود را با پاکدامنی و فروتنی آماده سازیم تا عطایا را دریافت کنیم، و عطایا فقط قدرت معجزات نیستند، بلکه شامل حکمت، علم و ایمان نیز هستند، چنانکه پولس رسول به ما آموخت (اول قرن‌تین ۸:۹). اگر شما از خدا عطای نیکویی می‌طلبید، خداوند خواهد آموخت که چه بخواهید! او در موعظه بالای کوه می‌فرماید: «اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد». (متی ۳:۳)

توجه کنید که در دعای ربانی، که مسیح به عنوان نمونه به ما آموخت، برای هیچ عطایی دعا نمی‌کنیم.

نهضت پنطیکاستی و عطای سخن گفتن به زبانها

مشخصه برجسته نهضت پنطیکاستی این است که آنان به تعمید روح‌القدس اعتقاد دارند (جدای از تعمید آب و روح). این چیزی است که پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌ها، که دنبال کننده آنان هستند، در کتابهای خود می‌نویسند.

ایشان این امر را «تعمید روح» یا «پری روح‌القدس» می‌نامند. پنطیکاستی‌ها و گروه‌های کاریزماتیک تصور می‌کنند که مشخصه متمایز کننده تعمید در روح‌القدس و پری روح‌القدس، سخن گفتن به زبانهاست. در نظر ایشان سخن گفتن به زبانها اولین نشانه شخصی است که از روح‌القدس پر شده است. به همین دلیل، هنگامی که کسی به گروه آنها ملحق می‌شود، او را وادار می‌کنند به زبانها سخن بگویند تا شبیه رسولان در روز پنطیکاست شود. آنها با پیروی از تعالیم پیشینیان خود، توجه زیادی به عطای سخن گفتن به زبانها می‌کنند، گویی که آن، همه چیز است، خواه قابل فهم باشد خواه نامفهوم. در اکثر موارد، زبانها تنها اصوات نامفهوم هستند.

اما تعلیم کتاب‌مقدس در رابطه با عطای سخن گفتن به زبانها چیست؟

سخن گفتن به زبانها

با مطالعه کتاب‌مقدس و بالاخص باب چهارده از رساله اول پولس رسول به قرنتیان، که می‌توانیم آن را **باب عطای زبانها** بنامیم، به نکات ذیل می‌رسیم:

سخن گفتن به زبانها آخرین در میان سایر عطایاست

وقتی پولس رسول در رساله اول خود به قرنتیان به عطایای روحانی اشاره می‌کند، سخن گفتن به زبانها و ترجمه زبانها را در مرتبه آخر قرار می‌دهد. او می‌گوید:

«و نعمتها انواع است ولی روح همان. و خدمتها انواع است اما خداوند همان. و عملها انواع است لکن همان خدا همه را در همه عمل می‌کند. ولی هرکس را ظهور روح بجهت منفعت عطا می‌شود. زیرا یکی را بوساطت روح، کلام حکمت داده می‌شود و دیگری را کلام علم، بحسب همان روح. و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمتهای شفا دادن به همان روح. و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمییز ارواح و دیگری را اقسام زبانها و دیگری را ترجمه زبانها. لکن در جمیع اینها همان یک روح فاعل است که هرکس را فرداً بحسب اراده خود تقسیم می‌کند.» (اول قرنتیان ۱۲)

بنابراین پولس رسول عطای سخن گفتن به زبانها و ترجمه آنها را در نوبت آخر پس از سایر عطایا قرار می‌دهد. عطایای حکمت، معرفت، ایمان، شفا دادن، قدرت معجزات، نبوت و تشخیص ارواح، بر عطای زبانها و ترجمه زبانها مقدم‌ترند.

پولس رسول همچنین می‌گوید: «و خدا قرارداد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوات، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها» (اول قرنتیان ۱۲:۲۸). پس در اینجا هم پولس رسول عطای زبانها را در ترتیب آخر قرار می‌دهد.

وقتی پولس رسول می‌گوید: «لکن نعمتهای بهتر را به غیرت بطلبید و طریق افضل را نیز به شما نشان می‌دهم» (اول قرنتیان ۱۲:۳۱)، در ادامه شرح می‌دهد که این طریق افضل، محبت است. او توضیح می‌دهد که چگونه محبت بزرگتر و مهم‌تر از هر نبوت،

هر معرفت، هر ایمانی که بتواند کوه‌ها را جابه‌جا کند، هر نیکویی و هر ریاضت است (اول قرن‌تین ۱۳). وی شرح می‌دهد که محبت مهم‌تر از سخن گفتن به زبانهای مردم، و نه فقط مردم بلکه فرشتگان نیز است. او می‌گوید: «گر به زبانهای آدمیان و حتی فرشتگان سخن بگویم، اما اگر محبت ندارم، چون مفرغی شده‌ام که صدا کند یا سنجی که بانگ برآورد» (اول قرن‌تین ۱۳:۱)

سخن گفتن به زبانها برای همه نیست

در بیانات فوق مشاهده کردیم که خدا عطایای «هرکس را فرداً بحسب اراده خود تقسیم می‌کند» (اول قرن‌تین ۱۱:۱۲)؛ «پس چون نعمتهای مختلف داریم بحسب فیضی که به ما داده شد» (رومیان ۶:۱۲) و «به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر کس قسمت فرموده است». (رومیان ۳:۱۲)

درباره عطای سخن گفتن به زبانها، پولس رسول واضحاً می‌گوید: «آیا همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان، یا همه قوات؟ یا همه نعمتهای شفا دارند، یا همه به زبانها متکلم هستند، یا همه ترجمه می‌کنند؟» (اول قرن‌تین ۳۰، ۲۹:۱۲). از این عبارت مشخص است که عطای زبانها مخصوص همه نیست. پس حتی در زمان رسولان الزامی نبود که همه ایمانداران عطای سخن گفتن به زبانها را دریافت کنند و بنابراین، ضرورتی نداشت برای اطمینان از نزول روح‌القدس بر شخصی، او به زبانها سخن گوید. ممکن است کسی حتی قدیس باشد اما به زبانها سخن نگوید.

خدا می‌داند که کی و به چه علتی عطایا را بدهد. او در زمان رسولان، یعنی در آغاز بشارت کلام، عطای زبانها را به خاطر تقویت رسولان و بنا به نیازشان به وفور عطا فرمود. عطای زبانها در همه اعصار ضروری نیست. کتاب مقدس می‌گوید: «و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفت» (اول قرن‌تین ۸:۱۳). حتی در عصر رسولان، شرایطی برای سخن گفتن به زبانها وجود داشت. ما برخی از این شرایط را در باب چهارده از رساله اول پولس به قرن‌تین می‌خوانیم:

سخن گفتن به زبانها باید برای بنای کلیسا بکار رود

مهم‌ترین واژه در باب چهارده، واژه «بنا کردن» است. پولس رسول بارها از این واژه استفاده می‌کند. او می‌گوید: «باید همه بجهت بنا بشود» (اول قرن‌تین ۲۶:۱۴) و «همچنین شما نیز چونکه غیور عطایای روحانی هستید، بطلبید اینکه برای بنای کلیسا افزوده شوید». (اول قرن‌تین ۱۲:۱۴)

پولس رسول به خاطر بنای کلیسا می‌گوید: «کسی که نبوت کند بهتر است از کسی که به زبانها حرف زند» (اول قرن‌تین ۵:۱۴). زیرا: «هرکه به زبانی می‌گوید، خود را بنا می‌کند، اما آنکه نبوت می‌نماید، کلیسا را بنا می‌کند» (اول قرن‌تین ۴:۱۴). واژه نبوت در آن زمان همچنین به معنای تعلیم دادن بود. پولس رسول نبوت را ترجیح می‌دهد زیرا: «آنکه نبوت می‌کند، مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی می‌گوید». (اول قرن‌تین ۳:۱۴)

زبانها باید ترجمه شود

پولس رسول می‌گوید: «کسی که به زبانی سخن می‌گوید، دعا بکند تا ترجمه نماید» (اول قرن‌تین ۱۳:۱۴)، و اضافه می‌کند: «گر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید» (اول قرن‌تین ۲۸:۱۴). دلیل پولس رسول مشخص است: بنای کلیسا.

او می‌گوید: «... مگر آنکه ترجمه کند تا کلیسا بنا شود» (اول قرن‌تین ۵:۱۴). اگر کلیسا بنا نشود، باید ساکت بماند، و فراز «خاموش بماند» یک دستور رسولی است. پس کسی که به زبانها سخن می‌گوید، یا باید برای بنای کلیسا سخن گوید و یا اینکه خاموش بماند.

حضور مترجم شهادتی است بر اینکه آنچه به زبانها سخن گفته می‌شود مفهوم دارد. پس عطای زبانها به دو نفر توأمأ داده می‌شود. یکی سخن می‌گوید و دیگری ترجمه می‌کند. در نتیجه، این آیه کتاب مقدس نیز به وقوع می‌پیوندد که: «به‌گواهی دو سه شاهد، هر سخن ثابت خواهد شد» (دوم قرن‌تیاں ۱:۱۳). اگر سخن گفتن به زبانی ترجمه نشود، چه فایده‌ای دارد؟ چه سودی دارد اگر حضار آن را نفهمند؟

معنای «خود را بنا می‌کند» چیست؟

خود را بنا کردن یعنی در یک موقعیت روحانی از نزول روح القدس قرار گرفتن، بطوری که برای بنای خود شخص مفید باشد. پولس رسول در این مورد به دو نکته اشاره می‌کند که عبارتند از:

(الف) خاموش باش، به همان صورت که در حالات خاص روحانی بین خود و خدا هستی. پولس رسول می‌گوید: «... در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید» (اول قرن‌تیاں ۱۴:۲۸). این یک امر بین خود و خداست و مناسب‌تر است که در نهان خود، و نه در کلیسا نزد سایر مردم، باشد. پس سخن گفتن به زبانها می‌تواند نوعی دعا باشد. با این حال:

(ب) عقل بی‌ثمر خواهد ماند و تنها روح عمل خواهد کرد. پولس رسول می‌گوید: «زیرا اگر به زبانی دعا کنیم، روح من دعا می‌کند لکن عقل من برخوردار نمی‌شود» (اول قرن‌تیاں ۱۴:۱۴). رسول نتیجه می‌گیرد که در این حالت به فهم کلام نیاز است، تا شخص نه فقط با روح، بلکه با عقل نیز دعا کند؛ نه فقط با روح سرود بخواند بلکه با عقل نیز.

با اینکه پولس رسول فراز «خود را بنا می‌کند» را با احتیاط بیان می‌کند، و علیرغم آن ملاحظاتی که راجع به این می‌کند و نشان می‌دهد که اگر چنین نکنند ثمره کارشان به کمال نخواهد رسید، باز هم در مورد همین بنا کردن می‌گوید: «خدا را شکر می‌کنم که زیادتراًز همه شما به زبانها حرف می‌زنم. لکن در کلیسا بیشتر می‌پسندم که پنج کلمه به عقل خود گویم تا دیگران را نیز تعلیم دهم از آنکه هزاران کلمه به زبان بگویم». (اول قرن‌تیاں ۱۴:۱۸، ۱۹)

پس لزومی نیست که مردم با تمام توان تلاش کنند تا به زبانها سخن گویند و تصور کنند که این یک موفقیت بزرگ است.

و اگر اینچنین سخن گفتن به زبانها حقیقتاً عطای روح القدس است، در مورد آنان که وانمود می‌کنند به زبانها سخن می‌گویند چه باید گفت؟

سخن گفتن به زبانها نشانی برای بی‌ایمانان است

پولس رسول می‌گوید: «پس زبانها نشانی است نه برای ایمان‌داران بلکه برای بی‌ایمانان؛ اما نبوت برای بی‌ایمان نیست بلکه برای ایمان‌داران است» (اول قرن‌تیاں ۱۴:۲۲). این بدین معناست که خدا این عطا را در ابتدای عصر رسولان داد تا آنان در نزد دیگر امتهای و کسانی که زبان رسولان را نمی‌فهمیدند، کلام را موعظه کنند تا ایشان ایمان آورند، چنانکه در روز پنتیکاست اتفاق افتاد: «همه مبهور و متعجب شدند» ... «زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید». (اعمال ۲:۷ و ۶)

اما چه معنایی خواهد داشت اگر کسی در کلیسا و در میان کسانی که زبانش را می‌فهمند، بایستد و با زبانهای دیگر سخن بگوید؟ به همین دلیل است که پولس رسول می‌گوید در چنین زمانی، مترجم نیز باید باشد و «اگر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید». (اول قرن‌تیاں ۱۴:۲۸)

مجادله رسول در برابر تعالیم اشتباه در مورد سخن گفتن به زبانها

پولس رسول، زبانها را همچون هیاهو می‌داند، اگر برای بنای کلیسا نباشد.

او می‌گوید: «گر همه اعضای کلیسا گرد هم آیند و همه به زبانهای غیر سخن گویند، و در این حین اشخاص ناآگاه یا بی‌ایمان به مجلس در آیند، آیا نخواهند گفت که شما دیوانه‌اید؟» (اول قرن‌تیان ۱۴:۲۳). «شما نیز اگر به زبان، سخن مفهومی نگویید، چگونه معلوم می‌شود آن چیزی که گفته شد زیرا که به هوا سخن خواهید گفت؟» (اول قرن‌تیان ۱۴:۹). «هرگاه قوت زبان را نمی‌دانم، نزد متکلم بربری می‌باشم و آنکه سخن گوید نزد من بربری می‌باشد» (اول قرن‌تیان ۱۴:۱۱). تمام باب چهارده همین مفاهیم را می‌رساند.